نگاه

پا به ماه؟!

سرگرد علی صباحی*

● خیلی وقت می‌شد که سمیه و امیر آرزوی بچه‌دارشدن داشتند و با کلی دکتر و دوا و درمون توانسته بودند مشکل عدم بارداری سمیه رو برطرف کنند. و حالا هم که سمیه باردار شده بود، می‌بایست خیلی مراقبت می‌کردند تا اتفاقی برای جنین نیفتد. تولد بچه برای این زوج جوان خیلی مهم‌تر از اونی بود که می‌شد تصور کرد؛ چراکه بعد از کلی هزینه‌کردن و این‌در و اون‌در زدن به تولد یه بچه امید بسته بودند و به هیچ قیمتی حاضر نبودند که این موضوع به شکست منتهی شود. حالا حدود هشت‌ماهی از بارداری سمیه می‌گذشت و او بیشتر از همیشه مواظب حملش بود که براش مشکلی پیش نیاد؛ خیلی وقت بود سیسمونی بچه را خریده و اتاق و گهواره و جقجقه و خیلی چیزهای دیگه رو برای این مسافر توراهی کوچک تهیه کرده بودند. و برای آمدنش لحظه‌شماری می‌کردند و قند تو لشون آب شده بود. دکتر به سمیه شدیدا تاکید کرده بود از حمل و بلندکردن بار حتی بارهای چندکیلویی و هیجان و راهپیمایی زیاد و... خودداری کند و خیلی مواظبت کند که بچه به سلامت متولد بشه و خدای‌ناکرده سقط نشه، چراکه سقط بچه امکان بارداری مجدد را به صفر می‌رسوند و برای مادر هم احتمال خطر بسیاری وجود داشت. روزها به‌سختی و آرامی و سرشار از شوروشوق زیاد برای امیر و سمیه می‌گذشت. همه‌چیز به‌ظاهر خوب بود تا اون روز عصر که سمیه از ناحیه شکم احساس درد می‌کرد و مجبور شد مثل دفعات قبلی که دردای این‌شکلی اونو اذیت می‌کرد برای قدم‌زدن به پارک سرکوچه بره و یه نیم‌ساعتی رو آرام‌آرام قدم بزنه تا حالش بهتر بشه. سمیه با قدم‌هایی کوتاه و شمرده‌شمرده، آروم و با احتیاط به سمت پارک به راه افتاد و هنوز به سرکوچه نرسیده بود، که با صدای انفجار چند ترقه که در چند متری او به زمین خورده بودند، رنگ از صورتش پرید و نفسش به شماره افتاد و دیگه تاب و تحمل ادامه مسیر رو نداشت و همون‌جا به دیوار تکیه زد و با دیدن شرایط اون روز از رفتن به پارک منصرف شد و به سمت خونه به راه افتاد. به درِ خونه که رسید درد دیگه امونشو بریده بود و به‌سختی کلید رو از داخل کیفش بیرون آورد و درحالی‌که دستاش به‌شدت می‌لرزید با زحمت کلید رو تو قفل در زد و قبل از اینکه کلید رو تو قفل بچرخونه و در باز بشه با صدای مهیب یه انفجار از هوش رفت و زمین افتاد. چشماشو که باز کرد، امیر رو دید که نگران و مغموم بالای سرش و با لبخندی ساختگی پرسید: خوبی سمیه‌جان! درد که نداری! می‌خوای دکتر رو صدا بزنم، خیلی متوجه حرف‌های امیر نمی‌شد و احساس سرگیجه عجیبی داشت و احساس می‌کرد ته دلش خالیه و پلکاش سنگین شده و همین‌طور که به امیر نگاه می‌کرد دوباره به خوابی سنگین رفت و دیگه متوجه هیچ چیزی نشد. چند روز بعد وقتی سمیه از سی‌سی‌یو به بخش منتقل شد تازه متوجه اصل ماجرا و عمق فاجعه شد، اون روز برای سمیه بدترین روز زندگی سی‌وچندساله‌اش بود. حالا دیگه سمیه نه‌تنها تا پای مرگ پیش رفته بود، بلکه جنین هشت ماهش‌رو هم از دست داده بود و به گفته پزشکان دیگه امکان بچه‌دارشدنش هم وجود نداشت. بعد از اون قضیه سمیه و امیر هرچند باز هم با هم و در کنار هم خوشبخت زندگی کردند، ولی غصه بچه ازدست‌رفته را هرگز فراموش نکردند و سال‌های سال باهم زندگی کردند و بی‌آنکه هرگز صدای خنده بچه‌ای از آن خانه شنیده شود و لذت پدرومادرشدن را بچشند.

توصیه انتظامی: توصیه می‌شود افرادی که به دنبال ایجاد مزاحمت برای دیگران هستند لحظه‌ای به عقوبت و نتیجه کار خود بیندیشند، چه خوب است خود را به‌جای دیگران بگذاریم. آیا دوست دارید برای خانواده شما اتفاق ناگواری رخ دهد؟ بیشتر و بهتر به عواقب کار خود فکر کنیم.

***کارشناس آموزش همگانی معاونت اجتماعی فاتب**

مرد سارق به قربانیانش تعرض می‌کرد

شرق: پرونده مردی که متهم است پس از سرقت به طعمه‌های خود تعرض می‌کرد، برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.

به گزارش خبرنگار ما، سال ۹۴ در شرق تهران چندین فقره سرقت مشابه همراه با تعرض، به مأموران پلیس اطلاع داده شد. یکی از شاکیان به مأموران گفت: داشتم به خانه بازمی‌گشتم، خانه ما نزدیک به یک پارک است که معمولا همیشه از آن عبور می‌کنم، نزدیک ظهر بود و کسی در پارک نبود، به میان راه رسیدم که مردی آمد و من را با چاقو تهدید کرد و به من گفت گوشی و کیف پولت را به من بده. اول سعی کردم کمی مقاومت کنم؛ اما او چاقو را نزدیک صورتم آورد. خیلی ترسیده بودم. دیدم نمی‌توانم مقاومت کنم؛ برای همین هرچه را داشتم به او دادم؛ اما آن مرد من را رها نکرد و با زور من را به گوشه‌ای از پارک برد. به او گفتم هرچه داشتم را به تو داده‌ام، دیگر با من چه کار داری؛ اما او من را رها نکرد و با زور به من تعرض کرد. خواستم فریاد بزنم؛ اما چاقو را نشانم داد. حالم بسیار بد شد؛ اما نتوانستم خودم را نجات دهم. این در حالی بود که چند سرقت مشابه دیگر نیز به مأموران گزارش داده شد. به‌این‌ترتیب، مأموران با این ظن که سارق یا سارقان مشترک هستند، تحقیقات خود را آغاز کردند. با

تحقیقات اولیه، پلیس توانست از طریق چهره‌شناسی متوجه شود سارق فردی سابقه‌دار به نام افشین است. به‌این‌ترتیب، با عملیات پیچیده پلیس، افشین را بازداشت و از او بازجویی کردند. افشین ابتدا منکر این کار شد؛ اما پس از مدتی وقتی متوجه شد مأموران مدارک مستدلی دارند، به سرقت اعتراف کرد و به مأموران گفت: از مدتی قبل شروع به این کار کردم. معمولا به پارک‌های خلوت می‌رفتم و طعمه‌های خود را آنجا پیدا می‌کردم. بیشتر آنها هم پسربچه‌ها بودند. وقتی متوجه می‌شدم پارک خلوت است، خود را به آنها نزدیک می‌کردم و با گاز اشک‌آور و چاقو آنها را تهدید می‌کردم که گوشی موبایل و هر چیز قیمتی را که دارند، به من بدهند و پس از سرقت اموال از محل فرار می‌کردم. پس از اعترافات افشین، مأموران متوجه شدند او تاکنون چندین بار دست به چنین اقدام‌های شومی زده است و تاکنون شش شاکی خصوصی که پنج نفر از آنها پسرهای جوان و یکی دیگر از آنها یک زن جوان است، دارد. همه این شش نفر ادعا کرده‌اند افشین پس از اینکه اموال آنها مانند گوشی موبایل، کیف، طلا، پول و اشیای قیمتی را به سرقت برده است، با تهدید چاقو، گاز اشک‌آور و زور آنها را به گوشه‌ای برده و به آنها تعرض کرده است. با توجه به اعترافات افشین و شکایت شاکیان پرونده و سایر مدارک موجود در پرونده، کیفرخواستی علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران با ریاست قاضی زالی ارسال شد.

شکنجه با برق، برای بازگرداندن پول‌های سرقتی

شرق: پرونده مردی که متهم است دوستش را شکنجه کرده و با برق به قتل رسانده است، با گذشت اولیای دم از قصاص برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. به گزارش خبرنگار ما، فروردین‌ماه سال ۹۲ به مأموران خبر دادند جسد مرد جوانی در یک ساختمان پیدا شده است. زمانی که پلیس به محل رفت، متوجه شد این مرگ به دلیل ولتاژ بالای برق بوده که در بدن مقتول جریان پیدا کرده است وضعیت جسد نشان می‌داد مرگ او یک برق‌گرفتگی ساده نبوده و فردی به عمد او را به قتل رسانده است. در تحقیقات بعدی پلیس مشخص شد مقتول آخرین‌بار با فردی به نام فرهاد دیده شده است. فرهاد از مدت‌ها قبل مقتول را می‌شناخته و آنها در یک کمپ ترک اعتیاد مدتی بستری بودند و بعد از آن هم مراوداتی داشته‌اند. به این ترتیب مأموران فرهاد را بازداشت کردند و برای بازجویی‌های بیشتر به کارآگاهان جنایی تحویل دادند. فرهاد در بازجویی‌ها به مأموران گفت: در کمپ ترک اعتیاد با رضا آشنا شدم، با هم دوست شده بودیم و چندباری با یکدیگر درددل کرده بودیم. بعد از آزادی از کمپ برخی از اموال من به سرقت رفت و من به رضا شک کردم برای همین، ماجرا را با یکی دیگر از دوستانم به نام مهران که او هم در کمپ با ما بود، در میان گذاشتم؛ مهران به من گفت اموال او هم به سرقت رفته و البته او هم به رضا مشکوک بود چون رضا خیلی دروغ می‌گفت و سابقه سرقت هم داشت؛ به همین خاطر ما دیگر مطمئن شدیم که رضا این کار را کرده است. برای همین تصمیم گرفتیم رضا را تنبیه کنیم تا بتوانیم اموالمان را از او پس بگیریم. من با او تماس گرفتم و قرار گذاشتم، با مهران دونفری سر قرار رفتیم و به بهانه حرف‌زدن او را به خانه کشاندیم. بعد از اینکه او را به خانه آوردیم، به او گفتیم که اموال ما را پس بده وگرنه تو را خواهیم کشت اما رضا گفت از چیزی خبر ندارد، او همه چیز را منکر شد و گفت شما تهمت دروغ به من می‌زنید و می‌خواهید از من زورکی پول بگیرید و من هم چنین پولی ندارم که به شما بدهم. او را کتک زدیم اما باز هم حرفی نزد. وقتی دیدیم رضا حرف نمی‌زند او را به پشت بام بردیم و به او گفتیم اگر حرف نزد، او را خواهیم کشت. رضا گفت سرقت کار او نبوده و گفت اموال شما را یکی دیگر به نام سعید به سرقت برده است. ما حرف رضا را باور نکردیم چون اصلا فردی به نام سعید در کمپ نبود و او داشت دروغ می‌گفت و می‌خواست از این راه فرار کند و ما دیگر نتوانیم پولمان را از او بگیریم. او می‌خواست ما را دور بزند بنابراین راهش این بود که هر طور شده او را به حرف بیاوریم و اموالمان را از او بگیریم. تصمیم گرفتیم او را شکنجه کنیم، دو سیم آوردیم و آن را به برق وصل کردیم یکی از سیم‌ها را به پای راست و دیگری را به پای چپ او وصل کردیم، خواستیم کمی او را تنبیه کنیم تا اموالمان را به ما پس بدهد اما بعد از اینکه برق را وصل کردیم یکدفعه نمی‌دانم چه شد که رضا جانش را از دست داد. اصلا قصد ما این نبود که او را بکشیم چون می‌خواستیم به پولی که از ما سرقت شده است، برسیم و مرگ او باعث می‌شد ما دیگر به پولمان نرسیم؛ به‌همین‌خاطر هم قسم می‌خورم که قصدی برای کشتن او نداشتیم. به‌این‌ترتیب با توجه به اعترافات فرهاد و مهران و سایر مدارک موجود در پرونده و شکایت اولیای دم کیفرخواستی علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال و جلسه رسیدگی برگزار شد. فرهاد و مهران پای میز محاکمه رفتند و یک بار دیگر جزئیات را شرح دادند و عنوان کردند که قصدی برای کشتن مقتول نداشتند. با این حال اولیای دم همچنان بر درخواست قصاص اصرار کردند. در پایان جلسه و بعد از شور هیئت قضات، فرهاد به قصاص و مهران به ۱۵ سال حبس محکوم شد و این رأی در دیوان عالی کشور نیز به تأیید رسید. درحالی‌که پرونده مراحل پایانی خود را سپری می‌کرد و متهم ردیف‌اول در فهرست اعدامیان قرار گرفته بود پس از گذشت سه سال اولیای دم از قصاص فرهاد گذشت کردند. به‌همین‌دلیل روز گذشته این پرونده بار دیگر برای رسیدگی به شعبه ۱۰ کیفری ارسال شد تا متهم به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه برود. روز گذشته فرهاد یک بار دیگر پای میز محاکمه رفت و از روز حادثه گفت. این جوان ادامه داد: من اعتیادم را ترک کرده و به زندگی عادی برگشته‌ام. آن روز هم می‌خواستم پول را بگیرم و از فقری که دچارش بودم بیرون بیایم که این اتفاق افتاد. من به خاطر اتفاقی که افتاده است، خیلی متأسفم و به اولیای دم تسلیت می‌گویم. خانواده‌ام زحمت زیادی کشیدند تا بتوانند رضایت اولیای دم را بگیرند و حالا از هیئت قضات درخواست دارم آنها هم در جنبه عمومی جرم به من تخفیف دهند و من را ببخشند تا بتوانم پیش خانواده‌ام باشم و زندگی سالمی را در پیش بگیرم. با پایان جلسه رسیدگی هیئت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

۲ بار سرقت موتور مقتول، عاملان قتل را به دام انداخت

شرق: عمو و برادرزاده‌ای که صاحب یک موتور را به قتل رسانده بودند، بعد از دو بار سرقت این موتور سرانجام شناسایی و دستگیر شدند. این دو، روز گذشته پای میز محاکمه رفتند.

به گزارش خبرنگار ما، مردادماه سال ۹۱ پسر نوجوانی به مأموران پلیس خبر داد زمانی که با دوستش در حال موتورسواری بوده است، مورد حمله دو مرد جوان قرار گرفته و دوستش به قتل رسیده است. زمانی که تحقیقات مأموران دراین‌باره آغاز شد، آنها متوجه شدند وقتی مقتول و دوستش در حال تفریح با موتور بودند، دو جوان به آنها نزدیک شدند و یکی از آنها با ضربات قمه راننده موتور را به قتل رسانده و سپس موتور را برداشته و فرار کرده است. برای مأموران کاملا مشخص شده بود که این قتل برای سرقت بوده است. با انتقال جسد به پزشکی‌قانونی و آغاز تحقیقات، ردیابی موتورسیکلت در دستور کار مأموران قرار گرفت. درحالی‌که به نظر می‌رسید ردی از موتور و سارقان به دست نیامده است و هشت ماه از این حادثه گذشته بود، مأموران متوجه چند جوان موتورسوار شدند که حالت عادی نداشتند. پلیس این چند جوان را متوقف کرد. از آنجا که به نظر می‌رسید آنها مشروب خورده‌اند و مدارک موتور هم همراهشان نبود، مأموران از مرکز استعلام گرفتند تا وضعیت موتور مشخص شود. دقایقی بعد گزارش رسید موتوری که مأموران متوقف کرده‌اند، سرقتی بوده و صاحب آن به قتل رسیده است؛ به این ترتیب سه جوانی که سوار بر موتور بودند، بازداشت شدند. آنها از قتل ابراز بی‌اطلاعی کردند و گفتند نمی‌دانند چه اتفاقی افتاده است. یکی از آنها که راننده موتور هم بود، گفت: این موتور متعلق به دوستم بود، او به اتهام سرقت در زندان است و حالا موتورش دست من است؛ اصلا نمی‌دانم قتل چیست و در مورد چه از من می‌پرسید.

با به‌دست‌آمدن مشخصات فردی که گفته می‌شد موتور را به سرقت برده است، وی که رامین نام دارد، در زندان شناسایی شد. پرونده این جوان نشان می‌داد سابقه چندین فقره سرقت دارد و هر بار هم با چاقو یا قمه حمله و سرقت کرده است. رامین در بازجویی‌ها به سرقت موتور مورد اشاره اعتراف کرد و گفت: من با برادرزاده‌ام دست به این سرقت زدیم. اما من یادم نمی‌آید کسی را کشته باشم؛ ضارب بردارزاده‌ام بود. این در حالی بود که وحید برادرزاده رامین هم همچنان او را مقصر نشان می‌داد.

با پایان تحقیقات و بازجویی از شاهدان کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران آغاز شد. در ابتدای جلسه رسیدگی نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و کیفرخواست علیه متهمان را خواند و خواستار مجازات قانونی آنها شد، سپس نوبت به اولیای دم رسید. آنها هم درخواست قصاص کردند و گفتند حاضر به گذشت نیستند. سپس متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد؛ او اتهام قتل را رد کرد و گفت: من قبول دارم که سرقت را انجام دادم اما قتل کار من نبود و برادرزاده‌ام وحید این کار را کرده است. متهم گفت: من و برادرزاده‌ام همیشه با هم سرقت می‌کردیم. شب حادثه هم برای اینکه چیزی برای سرقت پیدا کنیم، بیرون رفتیم. چشممان به دو جوان افتاد که داشتند در خیابان موتورسواری می‌کردند. آنها را تعقیب کردیم و در جایی مناسب به سمت آنها رفتیم بعد برادرزاده‌ام قمه‌اش را درآورد و یکی از آن دو پسر را زد، نفر دوم فرار کرد؛ ما هم موتور را برداشتیم و فرار کردیم. موتور را پیش یک مال‌خر بردیم و فروختیم؛ او هم می‌دانست که موتور دزدی را می‌خرد و حتی خون هم روی دسته موتور بود، بعد که پول را گرفتیم نمی‌دانم چه اتفاقی برای موتور افتاد اما مدتی بعد دوباره همان موتور را در خیابان درحالی‌که پارک شده بود دیدم و دوباره آن را دزدیدم. موتور دست خودم بود تا اینکه به خاطر یک سرقت دیگر بازداشت شدم و موتور دست دوستم افتاد که منجر به شناسایی ما شد.

سپس نوبت به متهم ردیف دوم رسید؛ او اتهام قتل را رد کرد و گفت: من قتل را مرتکب نشدم، عمویم به سمت مرد جوان رفت، قمه کشید و او را زد؛ من حتی به او نزدیک هم نشدم و فقط کمک کردم که موتور را بدزدیم. او دروغ می‌گوید و من اصلا حرفش را قبول نمی‌کنم.

سپس دوست مقتول به‌عنوان شاهد در جایگاه حاضر شد؛ او روز حادثه را تعریف کرد و گفت: روز حادثه من و دوستم داشتیم در خیابان موتورسواری می‌کردیم که من احساس کردم دو نفر دنبال ما هستند، به دوستم گفتم اما او توجهی نکرد و گفت این‌طور که تو می‌گویی نیست، آنها هم دارند برای خودشان تفریح می‌کنند. بعد از چند دقیقه که ما کنار خیابان ایستادیم، دو مرد جوان به سمت ما آمدند، رامین قمه کشید و به دوستم حمله کرد؛ من نمی‌دانستم باید چه کنم، به سمت خانه‌های مردم رفتم، در زدم و کمک خواستم. همین‌طور که داشتم می‌دویدم و کمک می‌خواستم، حواسم به دوستم هم بود، یکدفعه دیدم رامین با قمه چند ضربه به او زد و او را نقش بر زمین کرد و همین هم باعث شد که جانش را از دست بدهد. من همان زمان به اورژانس زنگ زدم و کمک خواستم اما او فوت کرده بود. بعد از گفته‌های متهمان و شاهد پرونده و دفاعیات وکلای آنها هیئت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

خبر کوتاه

زن مبتلا به سرطان، همسر و فرزندان خود را به قتل رساند

● **ایرنا:** دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان البرز اعلام کرد یک زن ماهدشتی به دلیل اختلالات روحی دو فرزند و همسرش را به قتل رساند. حاجی‌رضا شاکرمی روز یکشنبه با اعلام وقوع سه فقره قتل عمد در شهرستان کرج، گفت: پس از گزارش مراجع انتظامی مبنی بر وقوع سه فقره قتل در یکی از مناطق ماهدشت، بازپرس کشیک قتل به محل اعزام شد. وی اضافه کرد: در بررسی اولیه، مشخص شد قاتل زنی است که اقدام به قتل همسر و دو فرزند خود کرده است. شاکرمی درباره انگیزه قاتل توضیح داد: وی در اظهارات اولیه خود اعلام کرد از دو ماه قبل متوجه شده به بیماری سرطان مبتلاست و برای اینکه فرزندانش بعد از مرگ وی سرگردان نباشند، نقشه قتل اعضای خانواده خود را طراحی و اجرا کرده است. شاکرمی گفت: متهم برای عملی‌کردن طرح خود، اقدام به خرید دو بسته قرص خواب‌آور از داروخانه کرده و پس از خوراندن آن به قربانیان، با ضربات چاقو آنها را به قتل رسانده است. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان البرز افزود: بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، قاتل دارای مشکلات روحی و روانی و افسردگی شدید بوده و پرونده وی برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی کرج ارجاع داده شده تا درباره جنون و اختلالات روانی وی که منجر به ارتکاب این جنایت هولناک شده، اظهارنظر کند.

دستگیری مرد برادرکش

● **میزان:** دادستان قائمشهر از دستگیری برادر مقتول که آثار درگیری و ایراد ضربات چاقو بر دست و بازویش وجود داشت، به‌عنوان متهم خبر داد و گفت: این فرد پس از تحقیقات با صدور قرار مناسب به اتهام قتل عمد برادرش بازداشت شد. حسین عشقی دادستان عمومی و انقلاب شهرستان قائمشهر اظهار کرد: گزارشی مبنی‌بر وقوع یک مورد درگیری توأم با چاقوکشی منجر به قتل «ج. ح»، ۲۷ ساله به دادسرای شهرستان قائمشهر اطلاع داده شد. این مقام قضائی ادامه داد: عوامل انتظامی بلافاصله همراه با بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شدند و وضعیت صحنه جرم بررسی شد. عشقی اظهار کرد: بر این اساس برادر مقتول که همراه با وجود آثار درگیری و ایراد ضربات چاقو بر دست و بازو، در محل حضور داشته به‌عنوان متهم دستگیر شد. دادستان عمومی و انقلاب قائمشهر افزود: متهم پس از اخذ تحقیقات با صدور قرار مناسب به اتهام قتل عمد برادر خود، بازداشت و به زندان معرفی شد.

مرگ دلخراش ۴ دانش‌آموز در سانحه رانندگی

● **باشگاه خبرنگاران جوان:** چهار دانش‌آموز دختر صبح دیروز بر اثر سانحه رانندگی در مسیر روستایی از توابع نیکشهر، جان خود را از دست دادند. علیرضا نخعی، مدیر کل آموزش‌وپرورش سیستان‌وبلوچستان، گفت: یک دستگاه کامیون ساعت ۶:۴۰ صبح دیروز در راه روستایی بخش لاشار نیکشهر واقع در جنوب سیستان‌وبلوچستان به شماری از دانش‌آموزان حین سوارشدن به خودروی یکی از والدین برای رفتن به مدرسه برخورد کرد. وی ادامه داد: براساس اعلام مرکز فوریت‌های پزشکی با توجه به‌شدت برخورد کامیون سه دانش‌آموز در دم جان خود را از دست دادند و دو دانش‌آموز نیز مجروح شدند. وی افزود: یکی از دو دانش‌آموز مجروح حین انتقال به بیمارستان فوت کرد و حال دانش‌آموز دیگر نیز وخیم گزارش شده است. مدیر کل آموزش‌وپرورش سیستان‌وبلوچستان با تسلیت این ضایعه دلخراش به خانواده این دانش‌آموزان گفت: اسامی دانش‌آموزان فوتی شامل سعیده امیری‌جوان، زهرا امیری‌جوان، زبیده امیری‌جوان و فاطمه بلوچ‌لاشاری و محصل مجروح زهرا امیری‌رجاء است.

حادثه

۲ کشته و ۲۰ مصدوم در اثر مصرف مشروبات الکلی غیراستاندارد

● **ایرنا:** یک منبع آگاه در استان فارس گفت با مرگ یکی دیگر از مصدومان مصرف مشروبات الکلی غیراستاندارد در شهرستان مرودشت، شمار افراد جان‌باخته به دو نفر افزایش یافت. این منبع که خواست به نامش اشاره نشود، افزود: با گذشت یک هفته از مصرف مشروبات الکلی غیراستاندارد به وسیله شماری افراد در شهرستان مرودشت، ۲۰ نفر دیگر از مصدومیت ناشی از این اقدام رنج می‌برند که وضعیت عمومی چهار نفر از آنها وخیم است. وی اظهار کرد: برخی از مصدومان این حادثه کلیه‌های خود را از دست داده‌اند و به بیماری‌های کبدی و کلیوی دچار شده‌اند. یک منبع آگاه در استان فارس گفت: این افراد اکنون مجبور به دیالیز هستند و فرایند درمانی آنها در بیمارستان‌های شیراز و مرودشت در حال پیگیری است. وی با بیان اینکه موضوع در دستگاه قضائی و انتظامی در حال پیگیری و رسیدگی است، گفت: یکی از عوامل اصلی توزیع مشروب مسموم و غیراستاندارد در این زمینه دستگیر شده است و تلاش‌ها برای پیگیری جدی موضوع و دستگیری دیگر متخلفان ادامه دارد.

پنج قاره

شخصیت مشهور جهانی قاتل از آب درآمد

● **دیلی‌میل:** همسر نویسنده معروف جهان «ریچارد کلینکهامر» سال‌ها پیش به شکلی بسیار مرموز از صفحه روزگار محو شد و تا چندی پیش هیچ خبری از او نبود تا بالاخره زمانی که ریچارد برای شروع یک زندگی تازه به آمستردام رفت و خانه قدیمی خود را برای فروش گذاشت، صاحبان جدید این خانه شروع به بازسازی آن کردند. آنها پس از کَندن بتون کف خانه به منظور نصب کفپوش، با اسکلت تکه‌تکه‌شده همسر این نویسنده که هانی نام داشت روبه‌رو شدند، البته در مرحله اول هویت این اسکلت مشخص نبود، اما با بررسی یکی از دندان‌های آن، این راز فاش شد. پلیس با بازجویی‌ها و بررسی‌های لازم، این‌بار اطمینان یافت قتل این زن کار همسر او بوده است. وی اعتراف کرد در یک نزاع او را کتک زدم و با ضربه‌ای که به سرش وارد کردم در همان لحظه درگذشت اما برای اینکه شهرتم زیر سؤال نرود، جسد او را تکه‌تکه کردم و زیر خانه دفن کردم. این نویسنده در سال‌هایی که همسرش ناپدید شده بود، کتابی با عنوان «هفت روش سریع برای کشتن همسر» نوشت که بعد از گذراندن دوران حبس و آزادشدن به علت اخلاق خوب در زندان موفق به چاپ آن شد و همین اواخر در آمستردام درگذشت.

وقوع زلزله ۵٫۷ ریشتری در جنوب فیلیپین

● **شینهوا:** زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵٫۷ ریشتر جنوب فیلیپین را به لرزه درآورد. مؤسسه لرزه‌نگاری و آتشفشان‌شناسی فیلیپین اعلام کرد ساعت ۸:۱۸ (یکشنبه) به وقت محلی زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵٫۷ ریشتر شهر «سوریگائو» در جنوب این کشور را لرزاند. بنابر اعلام مؤسسه لرزه‌نگاری و آتشفشان‌شناسی فیلیپین، این زمین‌لرزه در ۱۳کیلومتری جنوب غرب شهر «سوریگائو» و عمق ۱۳کیلومتری رخ داده است. تاکنون این مؤسسه حداقل دو پس‌لرزه را ثبت کرده است. این مؤسسه گزارشی از خسارت یا تلفات احتمالی این حادثه منتشر نکرده است.

نجات بیش از هزار پناه‌جو از آب‌های مدیترانه

● **یورونیوز:** نزدیک به ۹۰۰ پناه‌جو روز جمعه در عملیات گارد ساحلی ایتالیا در دریای مدیترانه و ۱۱۵ پناه‌جو نیز از سواحل لیبی از خطر مرگ رهایی یافتند. نزدیک به ۹۰۰ پناه‌جو روز جمعه در عملیات گارد ساحلی ایتالیا در دریای مدیترانه نجات یافتند و به جزیره «سیسیل» منتقل شدند. این افراد که بیشترشان زن و کودک بودند، در شش قایق چوبی پیدا شدند. جسد یک پناه‌جوی اهل سومالی نیز به همراه این افراد به خشکی انتقال یافت.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان فارس

شرکت گاز استان فارس (سهامی خاص)
تمدید آگهی تجدید مناقصه عمومی شماره ۹۵/۵۴
(یک مرحله ای)

شماره مجوز:۱۳۹۵،۵۲۴۵
نوبت دوم

مناقصه گزار: شرکت گاز استان فارس **موضوع مناقصه:**پروژه گازرسانی در سطح استان فارس

۱- شرح مختصر کار و محل اجرای پروژه : تجدید مناقصه گازرسانی به ۲ شهر و۲۲۵روستا به روش تامین کالا ،تجهیزات و نصب به صورت توام PC در سطح استان فارس

۲- مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه : مبلغ تضمین حداقل به مبلغ ۲۲،۷۸۵،۰۰۰،۰۰۰ می باشد که باید توسط پیشنهاد دهنده به یکی از صورت های ذیل اقدام گردد.

الف :ضمانت نامه بانکی و یا ضمانت نامه های صادره از موسسات اعتباری غیربانکی دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی که تا تاریخ سه ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد معتبر باشد.

ب:واریز وجه نقد به حساب شماره ۷۸۴۶۳۳۰۰۵۸ بانک تجارت شعبه استقلال کد:۷۸۴۰ به نام شرکت گاز استان فارس

ج:سایرضمانتنامه های موضوع بندهای (ب)،(ج)،(چ)و(ح)ماده (۴) آیین نامه تضمین معاملات دولتی بشماره ۱۲۳۴۰۲ ت ۰۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۲/۲۲ مصوب هیئت وزیران

۳- زمان فروش اسناد مناقصه و ارزیابی :از تاریخ ۹۵/۱۲/۱۴ لغایت ۹۵/۱۲/۱۶ از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۶ ایام اداری بجز روز چهارشنبه که تا ساعت ۱۵ می باشد.)

۴- مهلت و محل تحویل پیشنهادات :حداکثر تا ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخ ۹۶/۰۱/۲۱ دبیرخانه واحد حراست شرکت گاز استان فارس

توجه: طبق بند ۱۷-۴ بخشنامه راهنمای مناقصه بشماره ۱۰۱/۹۵۵۷۹ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۶ مناقصه گران می توانند برحسب مورد و صرفا یک بار نسبت به تسلیم / اصلاحیه جایگزین پیشنهادات خود شامل اصلاحیه /جایگزین پاکت الف (ضمانتنامه شرکت در مناقصه)،وبااصلاحیه /جایگزین پاکت ب (پیشنهاد فنی بازرگانی در مناقصات دومرحله ای با مدارک فنی در مناقصات یک مرحله ای) و یا اصلاحیه /جایگزین پاکت ج (پیشنهاد قیمت) باقیدعبارت اصلاحیه/جایگزین روی پاکت مربوطه در پاکت لاک ومهرشده درجلسه کمیسیون مناقصات و قبل ازشروع گشایش پاکت ها به صورت حضوری و دستی و درقبال دریافت رسید به کمیسیون معاملات اقدام نمایند و در صورت جایگزین نمودن پاکت جدید در هریک ازموارد سه گانه فوق پاکت های اولیه خود را بصورت لاک و مهرشده تحویل گیرند.

۵-مدت اعتبار پیشنهادها :سه ماه از آخرین موعدتسلیم پیشنهادها و این مدت حداکثر برای یک بار قابل تمدید می باشد . ۶- تاریخ،ساعت و محل گشایش پاکات در روز دوشنبه مورخ ۹۶/۰۱/۲۸ساعت ۱۴ ساختمان مرکزی شرکت گاز استان فارس -بلوار استقلال نبش خیابان باغ حوض- طبقه ششم سالن کنفرانس ۷- تاریخ برگزاری جلسه توجیهی درروز یکشنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۲می باشد

۷) شرایط مناقصه گر: داشتن شخصیت حقوقی یا حقیقی :

● دارابودن رتبه ۱ نفت و گاز از سازمان مدیریت وبرنامه ریزی کشور ● داشتن ظرفیت آزاد ارجاع کار حداقل معادل برآورد مناقصه (به مبلغ -/۱/۷۵۸/۴۷۱/۸۷۸/۳۴۵ ریال)

● داشتن تجهیزات لازم، تخصص و توانایی فنی و مکانی انجام کار مطابق با استانداردهای شرکت ملی گاز ایران

۸) مدارک لازم جهت خرید اسناد مناقصه: ۸-۱) ارائه معرفی‌نامه کتبی با ذکر دقیق موضوع مناقصه، کداقتصادی، کد شناسه ملی اشخاص حقوقی/ حقیقی و مشخصات نماینده شرکت

۸-۲) اصل فیش واریزی به مبلغ -/۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۲۱۷۴۶۳۳۰۰۹۰۰۲ بانک ملی شعبه پاسداران شیراز، شناسه پرداخت (۹۰۰۳۵۰۱۷۱) ۸-۳) ارائه آخرین گزارش حسابرسی به انضمام صورت‌های مالی حسابرسی شده

شرایط مناقصه‌گزار: ۱- پرداخت صورت وضعیت‌ها از یک ماه بعد از تحویل موقت پروژه با ۱۸ ماه، هر کدام که دیرتر واقع شود، می‌باشد.

شرکت‌های واجد شرایط در بند ۷ جهت خرید اسناد می‌توانند به آدرس شرکت گاز استان فارس، بلوار استقلال، نبش خیابان باغ حوض، طبقه دوم دفتر امور قراردادها مراجعه و اسناد ارزیابی همچنین اسناد مناقصه را دریافت نمایند. پیشنهادات مناقصه‌گرانی که حداقل امتیاز قابل قبول را در ارزیابی کیفی کسب نموده‌اند در زمان ذکر شده مفتوح خواهد شد اطلاعات درج آگهی در وب‌سایت شرکت گاز استان فارس به آدرس www.farsgas.ir و پایگاه فنی اطلاع‌رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporg.ir قابل دسترسی می‌باشند.

تاریخ درج آگهی نوبت اول:۹۵/۱۲/۱۴ تاریخ درج آگهی نوبت دوم ۹۵/۱۲/۱۶